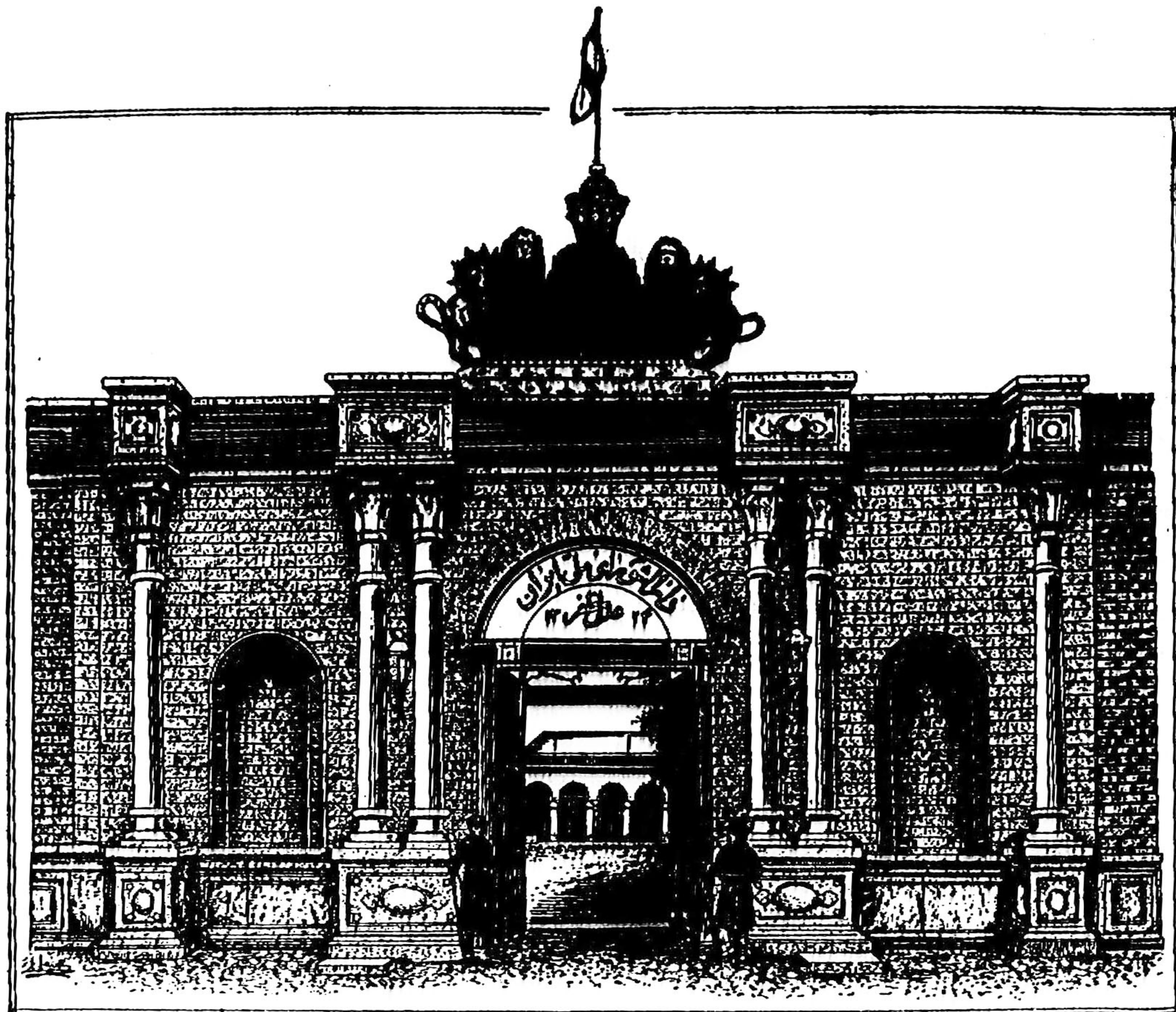


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۶۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۳۰</p>
<p>تاریخ تاسیس آذر ۱۳۰۵ پنجشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

از صفحه	الی صفحه	عنوان
۲۶۷۴		۱ سؤال آقای روحی از آقای وزیر فوائد عامه راجع به راه بندر عباس
۲۶۷۵		۲ سؤال آقای فیروز آمادی از آقای وزیر مالیه راجع به کسر انبار فلایر و جواب آقای وزیر
۲۶۷۵	۲۶۸۰	۳ سؤال آقای محمد ولی میرزا از آقای وزیر مالیه راجع به مطالبه مالیات سرانه در آذربایجان و جواب آقای وزیر
۲۶۸۰		۴ سؤال آقای زوار از آقایان کفیل پست و تلگراف و وزیر فوائد عامه و وزیر مالیه راجع به قضیه ارباب بهمن
۲۶۸۱		۵ استرداد لواحق اعتبار برای مقاصد معارفی و اعتبار برای سجل احوال از طرف آقای وزیر مالیه



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۵ جمادی الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۶۵

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: حاج آقا رضا رفیع - روحی - مرضی قلیخان
 بیات - دشتی - امام جمعه شیراز - میرزا محمد تقی طباطبائی
 نقی زاده .

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست)
 آقای پیرنیا تشکیل کردید
 (صورت مجلس یکشنبه چهاردهم آبانماه را آقای
 بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - محمد ولی خان اسدی - اعظمی - نظام مافی - دادگر - آقا علی زارع - قوام شیرازی - مهدوی - عباس میرزا - افسر - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - شریعت زاده - عصر انقلاب

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - ملک آرائی

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای دادگر را در صورت مجلس جزء غائبین بی اجازه خواندند در صورتیکه ایشان از بنده نما کرده بودند و شرحی هم بمقام محترم ریاست برای مرخصی بگماهه عرض کرده ام از این جهت خواستم عرض کنم که ایشان غائبین اجازه نیستند

رئیس - تقاضایان سراجمه به کیسیون شده است

در صورتیکه مجلس رای بدهد اصلاح میشود

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست ؟

(کفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد گویا آقای روحی

از وزیر فواید عامه سؤالی دارند .

روحی - بنده مدتهاست راجع به راه بندر عباس از وزارت فواید عامه سؤالی کرده بودم . موضوع سؤال این بود که این راه از راه های مهم جنوب است و مخصوصاً راه در مملکت در درجه دوم از احتیاجات است و عقیده بنده این است در مملکت اول امنیت بعد راه و معارف است زیرا بالاخره معارف پول میخواهد و پولم تا وسائل اقتصاد فراهم نباشد پیدا نمیشود و راه یکی از وسائل مهم اقتصاد است . بنده میخواهم عرض کنم آقای وزیر فواید عامه که خودشان پیش از سیصد فرسخ راه در آذربایجان احداث کرده اند

سؤالی داشتند

فیروز آبادی - بنده چندی قبل از آقای وزیر مالیه سؤالی کرده بودم راجع به کسر ابار ملایر که قریب هزار و صد و کسری خرور جنس در هزار و سیصد و سه ناسیصد و چهار کسر آمده است حالا نظر بنده به این نیست که این جنس بر گردد یا بر نکرده نظر بنده این است که آن اشخاصی که مصادر امر هستند بدانند که اگر یکوقت خدای نخواستہ یک اختلاس هائی در مالیه مملکت شد یک بازرسی هست و در مجلس یا غیر مجلس سؤال خواهد شد که دیگران تشویق به این امر نشوند و به ملاحظه اینکه تمام ماها باید حافظ بیت المال مسلمین و ملت باشیم و اگر بدانیم صد هزار تومان از مال ملت حیف و میل شده است یا اختلاس شده است باید اقدام کنیم ، به ایستیم ، اظهار کنیم ، جدیت کنیم ، تا آن چیزیکه اختلاس شده بر گردد و برای دفعات دیگر هم سابقه نشود و مال مردم بمصرف خود مردم برسد نه اینکه مثل ابار ملایر هزار و صد خرور که تقریباً نتیجه عمل هزار و صد نفر آدم است بکنفر بگیرد و از بین ببرد و هیچکس هم از او سؤال نکند به این ملاحظه من سؤالی از آقای وزیر مالیه دارم که در این باب چه اطلاعی دارند و چه اقدام کرده اند نتیجه اقدامات و اطلاعات خودشانرا بفرمایند .

وزیر مالیه - همینطوریکه نماینده محترم میفرمایند در سنه ۱۳۰۳ ابار ملایر یک کسری پیدا کرده است حالا ارقام صحیح همراه بنده نیست که به عرضشان برسانم ولی گمان نمیکنم بعد از تحقیق به آن میزانی باشد که اظهار میفرمایند در هر حال کسی که مسؤول این کار بوده است در محاکمه اداری به انفصال ابدی از مشاغل دولتی محکوم و جنبه عمومی آنهم به عدلیه رجوع شده است

فیروز آبادی - جواب آقای وزیر مالیه برای بنده مقنع نیست زیرا آن غله که در آن سال اختلاس شده با کسر آمده تقریباً قسمتش بیست و سه چهار هزار تومان

بوده است مقصود این نیست که حالا هزار تومان از آن شخص گرفته شود یا اینکه از کار منصرف بشود . برای اینکه این زمین به باعث این خواهد شد که دیگران از این کارها نکنند و نه آن چیزی که از مال ملت از بین رفته دو مرتبه بر میگردد . پس باید یک اقدامی زیادتر بکنند که آنچه اختلاس شده است بر گردد و دیگر کسی هم جرئت این کارها را نکند

رئیس - آقای محمد ولی میرزا هم راجع به مالیات سرانه گویا سؤالی داشتند .

محمد ولی میرزا - بنده مدتی این سؤال را کرده بودم و منتظر بودم که یک جوانی در مجلس به بنده داده شود . آن سؤال راجع به مالیات سرانه است که بموجب قانونی که در بیستم آذر ماه گذشته تصویب در ماده دوم الغاء مالیات سرانه را مجلس شورای ملی مقرر فرموده ولی متأسفانه بر خلاف ناکنون هیچ توجهی که نشده سهل است اخیراً مطابق اطلاعاتی که از بعضی تصبات آذربایجان میرسد اشخاصی را مخصوصاً به شدت توقیف و حبس میکنند برای خاطر مالیات سرانه و در واقع این یک خلاف قانون بین و صریحی است و خیلی جای ناسف است در صورتیکه این قانون در آذر ماه تصویب شده و همینطور در بوقته اجمال مانده است برای اینکه شاید

آقایان در نظر داشته باشند بنده عین ماده دوم آن قانون را قرائت میکنم که همه آقایان مخصوصاً آقای وزیر مالیه متوجه بشوند : مینویسد : وزارت مالیه مکلف است که مالیات سر شماری (سرانه) که از اشخاص گرفته می شود و الفای آن موکول به اجرای قانون میزنی املاک اربانی مصوبه بیستم دیماه ۱۳۰۴ گردیده از ابتدای سنه ۱۳۰۶ موقوف المطالبه نموده از دفاتر دولتی حذف کنند . جمله اخیر مخصوصاً هیچ محل زدید نیست که نسبت به مواد قانون میزنی عنوانی بشود یا چون میزنی در تمام مملکت اجرا نشده است بهانه باشد . این جا تصریح دارد که باید از ابتدای سنه ۱۳۰۶ از

دفا. حذف شود و بنده^۱ تعجب میکنم که چرا این قانون تا بحال اجرا نشده و چرا این مالیات تا کنون حذف نشده و به این شدت هم مطالبه میکنند!

وزیر مالیه - این مطلب یکی از مسائل مهم و مبتلابه است هم برای وزارت مالیه و هم برای مردم و برعکس آنچه که ممکن است تصور شود که توجهی به قانون نشده بلکه توجه بقانون و قید رعایت به قانون است که مشکلاتی را تولید میکند. اصل الغاء مالیات سرانه اول در قانون ممیزی املاک اربانی شده. قانون ممیزی تصریحاً بموجب نص خودش شامل کرده است مواد و مقررات آن قانون را به املاک اربانی

خواجوی - از آنجاها هم میگیرند.

وزیر مالیه اجازه بفرمائید آقا. بلی به این لحاظ خالصجات انتقالی که مشمول قانون املاک اربانی نبوده اند آنها را مالیه مشمول الغاء مالیات سرانه تصور نکرده و به این ملاحظه حکم کرده بودند سابق که از خالصجات انتقالی مالیات سرانه کماکان مأخوذ شود. قانون آخر هم که اینجا اظهار شد و ماده دومش خوانده شد چنانچه ملاحظه میفرمائید يك استنادی باز به همان قانون دارد و ظاهر امر این طور است. بنده بعد عرض میکنم که خود من استنباط قانونی دیگری از این قانون کردم و عمل را مطابق همان استنباطی که میدانم اغلب آقایان هم عقیده دارند دستور داده ام. ولی برای اینکه محظوران و مشکلات را آقایان مسبوق باشند به این ملاحظه است که شرح قضیه را عرض میکنم. در این ماده که تاریخ اجرای الغاء را جلو آورده یعنی عوض اینکه صبر شود تا آن تاریخی که قانون ممیزی اجباری می شود مالیات سرانه هم بکلی لغو شود ماده قانون آخر ذکر کرده است که این را از اول ۱۳۰۶ ملغی نماید و ظاهر این ماده در تعبیر اداری ناقص اصل آن اشکال اولی که آیا این مالیات که بموجب قانون مالیات اربانی که شامل حال خالصه انتقالی نیست و نسبت با املاک اربانی لغو شده آیا باید

در خالصه انتقالی هم لغو بشود بانه. ظاهر این ماده این مسئله را نمی رساند ولی این مطلب یکی از قضایائی است که فوق العاده مبتلابه و اسباب زحمت مردم و رعایا است. این يك مالیاتی است که حقیقه چه در خالصه انتقالی و چه غیر انتقالی مالیات غلط و بدی بوده است و مجلس هم به همین خیال و نظر بوده است در قانون ممیزی املاک اربانی و بعد هم در قانون آخر رأی داده است که این موافقت را با مردم کرده باشد يك مشاوره و مذاکراتی در این ماده شد و البته تصدیق میفرمائید که مجلس همه نوع در قانون گذاری و تعبیر قانون اختیار دارد ولی مجری قانون باید مقید باشد که عملی را که بر طبق قانون میکنند تطبیق با نص قانون بکنند و يك عملی که ممکن است حمل بر تعبیر بشود نکنند در این باب متجاوز از چهل روز است که بنده مطالعه کرده ام. خود من در این مسافرتی که کردم مخصوصاً در طرف ملایر که خیلی این قضیه مبتلابه است آنجا يك تحقیقات کردم و هم چنین در يك قسمت طرف عراق هم همینطور است و بالاخره مشاوره هائی با آقایان دیگری که نسبت به استنباطات قضائی و قانونی آنها اعتماد داشتم بعمل آوردم. چون بموجب این ماده وزارت مالیه مکلف است از اول ۱۳۰۶ این مالیات سرانه را حذف کند. از این لفظ (محدوف نماید) در نتیجه استنباطات قانونی خودم و مشاورینی که با آنها مشاوره کردم اینطور استنباط شد که این ماده ما را ملزم میکند که این مالیات سرانه را از هیچ جا تکبیریم (نمایندگان - صحیح است) حالا بگذرد هم بنده در موقعی که این تصمیم را می گرفتم یعنی در سه روز قبل که این تصمیم را به ادارات مالیه ابلاغ کردم و دستورات سابق نقض شد مترازل بودم که این را مبدا حل بريك تعبیری بکنند و حالا خوشوقتم که می بینم در مجلس هم آقایان نمایندگان مطلب را اینطور تلقی میکنند و اینطور میفهمند و بنده هم در استنباطی که کرده ام اشتباه نکرده ام (نمایندگان - صحیح است) پس این قسمت اصلاح میشود و اما راجع به

این قسمتی که آقای خواجوی فرمودند بایستی این جا يك تذکری بدهم: آن اشکال دیگری است وقتی قانون میگردد که باید مالیات سرانه لغو شود این مالیات سرانه که این جا يك لفظ و عنوان است در دفاتر و کتابچه ها و صورت های مالیه تطبیق میکنند با يك ارقام معینی. در دفاتر جزو جمع ملکیتی که يك ملکیتی با يك دهی را نگاه میکنند می بینند می نویسند فلان ده مالیات جنس فلان قدر. آنوقت بجزء ریز میدهد گندم فلان قدر، جو فلان قدر، بعد جمع بسته میشود و مالیات جنس فلان قدر میشود. بهلویش يك قلمی است نقد آنها جزو دارد، مالیات سرانه، علف چر، صیفی، چه چه هفت هشت قلم جزء میدهد. این را میبرد به جمع میشود مالیات نقدی. و این اشکال البته از حیث املاکی است که مطابق قانون جدید ممیزی نشده اند. همه این اشکالات را که ملاحظه میفرمائید می آید بر میخورد باین مطلب که در آنجائی که باید مطابق جزو جمع قدم عمل کرد بعضی نقاط هستند که در ذیل مالیات نقدی که جزو داده شده است اسم مالیات سرانه آنجا ذکر نشده به این معنی وقتیکه ذکر میکنند مالیات نقدی فلانجا. بالصد گومان یا سیصد تومان در ذیلش که جزء میدهد به ارقام مختلف معین میکنند ولی باسم مالیات سرانه چیزی ننوشته است و ظاهراً ما مجبوریم باین که این مالیات نقدی را کلاً تلقی کنیم بمالیاتی که مربوط به مالیات سرانه نیست و باید تمام گرفته شود. رعایا اظهار میکنند که يك مبلغی از این مالیات مربوط بمالیات سرانه است و سابقاً هم باسم سرانه میدادیم و حالا هم سرانه است که از ما میگیرند. اگر شما در دفاتر آن این قید را نکرده اید تقصیر ما چیست. ملاحظه بفرمائید تکلیف وزارت مالیه که باید از روی دفتر و سند و جزو جمع رفتار بکنند و مسؤلیت وصول مالیات را در این ملکیت دارد چیست زیرا بالاخره بایستی که تمام مالیات نقدی ملکیتی باین عنوان کسر شود و نکت پیدا کند و از بین برود.

ما دچار يك محظوری میشویم از نقطه نظر اداری البته باید صرف نظر این باشد که مالیات سرانه آن مالیاتی است که در دفاتر جزو جمع و صورتها باسم مالیات سرانه قید شده است و اگر در يك همچو مواقعی يك اختلافی پیدا می شود این را نمی شود اصل فرض کرد بلکه بایستی يك راه قانونی پیدا کرد یا از راه طرح قانونی از طرف آقایان و کلاً یا لایحه قانونی از طرف دولت برای اینکه این تقیصه رفع شود یا این که يك موارد و يك اسناد و مدارک قطعی غیر از این که بگوید من نمیدادم یا فلان کدخدایا مباشر بگوید که این مالیات جزو مالیات سرانه است باشد زیرا اگر ما این در را بخواهیم باز کنیم بنده میدانم کجا سدی برای این کار پیدا خواهد شد. این است که باید يك راه حل خاص پیدا کنیم و یکی از مشکلاتی که ما دچاریم و در اغلب نقاط هم يك مواردی دارد همین است و بالاخره اگر يك راه حل عادلانه اداری بتوانیم ما خودمان پیدا کنیم میکنیم اگر نتوانستیم البته بعد مراجعه کنیم به مجلس و تکلیف بخواهیم و يك لایحه قانونی به مجلس تقدیم کنیم یا اینکه آقایان خودشان باید يك طرح قانونی هر طور صلاح میدانند پیشنهاد بکنند يك چیز دیگری هم این جا هست و آن این است که در بعضی نقاط هم ممکن است مالیات سرانه به جزو هم بوده باشد چون يك مورد یا در مورد بنده در عمل دیده ام از این جهت این را هم ذکر می کنم که آقایان زحمت نمیدهند در این باب نداشته باشند در یکی دو مورد بنده دیدم که در جزو جمع مالیات ها باسم مالیات سرانه بوده ولی باز مباشرتین تعقیب کرده اند و مطالبه نموده اند. اینجا يك اختلافی از حیث تشخیص خالصه و غیر خالصه و از تفاوت های جزو جمع پیدا شده جزو جمع های بعضی دهات و جزو جمعهای محلی يك اختلافات مختصری دارد که نامورد پیدا نکند و بحت نشود صورت مستقری پیدا نمیکند. این را میدانید که صورت های جزو جمع ها

يك چیز هائی بوده است كه مخصوصاً در نقاط جزء
بمرور پیدا شده و صورتهائی گرفته شده و داخل يك
دفتری شده است. این صورتهای را ممکن است مالیه در
محل در بیست سال می سال قبل از این بدست آورده
باشد و همان جا هم يك صورت دیگری باشد. مالیه بان
صورتهای نگاه میکنند می بینند اینجا نوشته شده. اهالی
بان صورت متکی میشوند که نوشته نشده. این يك
مواردی است که پیش میآید و بعداً مذاکره مطلب حل
میشود. روبرفته اصل اشکال این مسائل این است
که بایستی مالیات ارضی و مالیات مستقیم را
ما روی يك پایه محکمتر و اساسی تر بگذاریم سابق
بر این برای حصول بان مقصود در مجلس قانون ممیزی
تصویب شد. بان قانون عمل شده است و يك مقداری
از نقاط ممیزی شده و مقداری هم نشده است. در ضمن
عمل بنده بکمرته دیگر هم این جا عرض کردم که دولت
در اجرای این قانون بمحظرات و مشکلات بر خورد و
خصوصاً این قانون يك صورت عجیبی پیدا کرده. يك
قسمت از مملکت هست که خیلی راضی است و يك قسمت
هم خیلی ناراضی است....

یاسائی - باید همینطور هم باشد

وزیر مالیه - بهر حال برای اینکه این محظور را
دولت رفع کند يك نظری اتخاذ کرد و يك لایحه قانون
جدیدی بمجلس تقدیم کرد که حالا چهار ماه است به
مجلس تقدیم شده و ارجاع شده است بکمیسیون قوانین
مالیه و در آنجا هم مطالعاتی در اطرافش شده و يك
نظریاتی اتخاذ شده است و در حقیقت باید زود تر تکلیفش
معلوم شود برای اینکه اگر مجلس با آن لایحه که پیشنهاد
شده است موافقت کند و اصلاح کند البته باید آن
را مآخذ قرارداد و اگر آن رد بکند و موافقت نکند
بعد بایستی ماهان قانون ممیزی را تعقیب کنیم که موجود
است و با اینکه در آن اصلاحاتی بکنیم در هر حال
آقایان بایستی توجه کنند و در کمیسیون قوانین مالیه

پیشنهاد کردند و توضیحات مفصلي دادند که در سخنان و
دامغان چه معاملاتی میشود. تمام این مذاکرات در
صورتهای مجلس آن تاریخ هست و هیچ ضرری نداشت
که اگر مراجعه به اداره تقنینیه میشد که در اطراف
این قانون چه بحث و مطالعه شده است آنوقت قضیه
کاملاً روشن میشد و هیچ محتاج به مشورت زیاد نبود
و فعلاً هم که تقریباً هفت هشت ماه از سال میگذرد
بنده عرض میکنم که این مالیات را برخلاف قانون
گرفته اند یعنی بهر شکلی بوده این مالیات اخذ شده.
مقصود بنده بهیچوجه مربوط به تصریحی که در
قانون مالیات اربان مال ۱۳۰۴ بوده است نیست.
بنده عرض میکنم این قسمت در خالصجات که امروز
در دست دولت است یعنی يك قصبان که خورده مالك
است معمول است در شهرهای درجه دوم مثلاً در خود
طهران هم شاید يك جماعتی باشند که مالیات سرانه و
سرشماری از آنها اخذ میشده و این موضوع مربوط
بخالصجات انتقالی که در دست مردم است نیست. در
آذربایجان قصبه دهخوارقان تقریباً يك شهری است. يك
قصبه معظمی است. از آنجا مالیات میگیرند شصت
یکی از قصبان مهم آذربایجان است. از آنجا هم مالیات میگیرند
و همینطور در يك قسمتهائی از سامان میگیرند. مقصود
بنده این قسمتها است. و این مسئله بهیچ وجه مربوط
بقانون مالیات املاك اربان و ممیزی نیست. در اینجا
مخصوصاً اکثریت مجلس بلکه اتفاق مجلس آرزوی که
به پیشنهاد آقای یاسائی رأی گرفته همه رأی دادند که
این مالیات ملغی شود. در صورتیکه هنوز ملغی نشده
است و در عرض این هشت ماه آنچه که باید بگیرند
گرفته اند حالا نسبت بآن قسمتی که ناکنون گرفته اند
چه خواهند کرد نمیدانم. و راجع بآن قسمتی هم که
در جواب آقای خواجوی اظهار کردند بنده شخصاً این
طور عقیده دارم و با بعضی از آقایان هم که صحبت شد
همین عقیده را داشتند که این ترتیب خیلی کم اتفاق

می افتد و نادر است. بلکه بنده مدعی هستم که در
جزو جمع های قدیم چنین چیزی نیست. در آن جزو
جمع های قدیم و در آن افراد ممیزی قدیم در آنجا
مالیههای جزء تصریح شده است و هیچ بنده نشنیده
بودم که در مملکت يك قسمت هائی باشد که دارای
يك مالیات نقدی يك قلمی باشد. بان معنی که بانصد
تومان هزار تومان مالیات نقد فقط داشته باشد بدون
اینکه جزء جمع داشته باشد و این محال است. بعلمت
اینکه روزی که این بانصد تومان را معین کردند
البته دارای يك ریزی بوده و آن صورت ریز در تمام
جزء جمعها مضبوط است
وزیر مالیه - اینجا چند فقره اشتباه شده است که
باید رفع شود و جواب را از آخر شروع میکنیم اولاً
نه اینست که مالیات نقدی جزء ندارد. جزء دارد ولی
مالیات سرانه نوی آن نیست مجلس که نگفته که بقصبه
مالیهها را هم لغو کن. مالیات سرانه هم که در آن
صورت نیست رعیت میکوبد من مالیات سرانه را میدهم
ولی مادر جزء جمع صورت آرا نداریم اشکال سر این
است نه اینکه يك قلم مالیات نقدی نوشته شده باشد
مالیات نقدی هیچ جا نیست اما چهار قلم پنج قلم
جزء دارد درده جا در پانزده جا در بیست جا در يك
بلوك مالیات سرانه ذکر شده در جاهای دیگر ذکر نشد.
در آنجا که مالیات سرانه ذکر نشده ما مطالبه میکنیم
این یکی. یکی دیگر این که مسئله مراجعه بصورت مجلس
ها مسئله است خیلی صحیح لکن البته باید تصدیق کنید
که مراجعه بصورت مجلس ها در مواردی است که
اشتباهی در فهم عبارت قانونی بشود و عبارت صریح
نباشد ولی وقتی عبارت صریح باشد که مینویسد شامل
املاك اربانی است دیگر محتاج بمراجعه بصورت مجلس
نیست. زیرا هر قدر هم که مذاکره شده باشد در فهم قضیه
و صراحت قانون مؤثر نیست. اما نسبت بمسئله تفکیک که
بین خالصجات انتقالی و خالصجات دولت قائل شدند و

گفتند مقصود خالصجات انتقالی بوده باید عرض کنم از نقطه نظر الغاء سرانه و مالیات و قانون ممیزی فرقی بین خالصجات دولتی و خالصجات انتقالی نیست وقتی که فرقی نباشد و قانون شامل حال املاک اربابان باشد کلیه املاک خالصجات را اعم از دولتی و اربابان شامل میشود مگر اینکه قسمت خالصجات انتقالی از آن مستثنی شده باشد و برای اصلاح این کار همان عملی لازم بود که ما خودمان کرده ایم و بسیار کار صحیحی بوده است رئیس - آقای زوار هم دو سه فقره سؤال داشته اند آیا قبلاً اطلاع داده اید؟

زوار - قریب يك ماه است که از وزارتین مالیه و پست و تلگراف و فوائد عامه راجع به ارباب بهمین سؤالی کرده ام و تا کنون برای جواب حاضر نشده اند خیلی متأسفم که جواب این سؤالات اینقدر مانده است کفیل وزارت پست و تلگراف - از این سؤالی که اظهار کردند بنده هنوز مسبقاً بیستم امروز مراجعه می کنم و جلسه بعد جواب عرض میکنم

زوار - آقای وزیر فوائد عامه چطور؟

کازرون - چیز مهمی نیست!

زوار - از این مهم تر چیست که بکنفری را بخاک سیاه نشالده اند

وزیر فوائد عامه - در این موضوع کمیسیون در وزارت فوائد عامه تشکیل شده است گفته ام نتیجه مذاکرات کمیسیون را زودتر حاضر کنند. وقتی حاضر شد جواب عرض میکنم.

زوار - آقای وزیر مالیه چطور؟

وزیر مالیه - بنده هم منتظر نتیجه همین کمیسیون هستم که مشترك است بین فوائد عامه و مالیه زوار - محض رضای خدا زودتر جواب بدهید.

رئیس - آقای امامی راجع بدستور پیشنهادی داشتند (گفته شد نیستند)

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین عنوان قرائت شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع باستخدام مسیو هوفمن نقشه بردار معادن در درجه اول جزء دستور گذارده شود.

رئیس - پیشنهاد آقای باسائی هم راجع بهمین مضمون است

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع به مسیو هفمان مساح جزء دستور گذارده شود خطیبی - مخالفی ندارد

رئیس - خبرش از کمیسیون بودجه رسیده است ولی خبری که از کمیسیون خارجه رسیده است مال کمیسیون قدیم است

باسائی - اشکالی ندارد. اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید.

باسائی - چون لوایحی که راجع به کنترات خارجی ها است معمولاً کمیسیون بودجه تهیه میکرده است و موادی که کمیسیون بودجه تهیه میکرد در مجلس مطرح میشد. کمیسیون خارجه هم اصولاً با ملیت آن شخص موافقت میکرد و از این جهت بنظر بنده اشکالی ندارد که این لایحه مطرح شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده استدعا میکنم از آقای باسائی که يك چیزهایی را سابقه نگذارند. آن موضوعی که فرمودند غیر از این موضوع است. راجع بمارتین ما گفتیم چون در دوره پنجم مجلس اجازه داده بود و ملیتش در دوره پنجم تصویب شده بود از این جهت بدون ارجاع بکمیسیون خارجه ما ارا گذراندیم. لکن موضوع فعلی در دوره پنجم بتصویب کمیسیون خارجه رسیده است و این چیزی که جدیداً دولت پیشنهاد کرده است و قهراً باید بکمیسیون خارجه برود. ما چرا يك سابقه بگذاریم که فردا بموجب

این سابقه ها بقیه ما را بگیرند. بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت بفرمایند که لایحه برود بکمیسیون خارجه انوقت تصویب شود. و کمیسیون خارجه هم ممکن است همین امروز تشکیل شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای احتشام زاده. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای روحی

روحی - راجع بهمین موضوع بود

رئیس - آقای باسائی راجع بدستور پیشنهادی داشتید؟

باسائی - خیر. عرض بنده راجع بهمین موضوعی بود که آقای احتشام زاده پیشنهاد کردند.

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به پیشنهاد وزارت معارف مطرح است.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات سنه ۱۳۰۵ مبلغ دوست و پنجاه و هفت هزار تومان برای مقاصد معارفی ذیل بمصرف رساند.

۱ - برای مخارج مقدماتی تاسیس مدارس مطابق قانون ۲۰ دی ۱۳۰۴ و لایحه قانونی تعلیمات ابتدائی عمومی مورخه ۱۱ دی ۱۳۰۵ (توضیح آنکه کلیه عایدات واصله از صدنیم مالیات املاک که برای معارف تخصیص داده شده بابت این مبلغ محسوب خواهد گردید ۶۰۰۰۰۰ تومان

ب - برای ساختن دارالعلوم و خرید زمین آن و ساختن يك باب مدرسه متوسطه علی الحساب

۱۴۰۰۰۰۰ تومان

ج - برای تهیه مصالح و لوازم کارخانه مدرسه صنعتی

۱۰۰۰۰۰۰ تومان

د - برای خرید لابراتوارهای مدارس متوسطه ایالات و ولایات ۱۲۰۰۰۰ تومان

ه - برای لابراتوار مدرسه طای طهران ۱۰۰۰۰۰ تومان

و - برای ساختن مدرسه شبانه روزی ۲۵۰۰۰۰ تومان

جمع ۲۵۷۰۰۰۰ تومان

وزیر مالیه - عرض کنم این لایحه جزو لوایحی بود که قبلاً به مجلس تقدیم شده بود و کلیه از طرف دولت برای تجدید نظر استرداد شده است.

تجدید نظر هم شده و عنقریب لایحه جدیدی تقدیم خواهد شد که در آنجا قسمت معارف هم معین و تأمین شده است. این لایحه گویا اشتباهاً جزو خبرها در کمیسیون مانده بود

رئیس - اگر مسترد شده از دستور خارج میشود

وزیر مالیه - بلی مسترد شده است.

رئیس - يك لایحه دیگری است راجع بصد هزار

تومان اعتبار برای سبیل احوال.

وزیر مالیه - این لوایح مجدداً پیشنهاد خواهد شد ولی فعلاً تمام این لوایح مسترد شده است تا بعد مجدداً تقدیم شود.

عمادی - تنفس

رئیس - تنفس داده میشود برای تعیین کمیسیونها

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون عده کافی نیست اجازه میفرمائید.

جلسه ختم شود. جلسه آتی روز یکشنبه. دستور هم تعیین کمیسیونها فقط چیزیکه باقی مانده است چهار فقره خبر کمیسیونس راجع به شهریه ها. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - الان آقایان میآیند و صورتی

کمیسیونها هم تمام است بعقیده بنده بهتر این است اجازه

بفرمائید جلسه باشد تا آقایان بیابند

رئیس - جلسه باشد چه کند؟

آقا سید یعقوب - عرض کردم آقایان آرائشان را نوشته اند يك رأی در سابق داده شده و بنده مطابق قانون اساسی آن رأی را صحیح میدانم بعلت اینکه نصف بعلاوه يك رأی داده اند.

یک نفر از نمایندگان - صحیح نیست.

آقا سید یعقوب - آقا بگذارید عرضم را بکنم. منتهی بنده و همینطور سایر آقایان خواستیم که بالاتفاق رأی داده باشیم و کارها در مجلس بيك نحو بکانه می پیش برود از این جهت خودمان نشستیم و گفتیم که باید تجدید بشود و الا نه این است که آن رأی صحیح نبوده و این مسئله يك سابقه بشود. خیر اینطور نیست زیرا مطابق قانون اساسی هر وقت نصف بعلاوه يک رأی داد اکثریت حاصل است و اکثریت حاکم است چنانچه غالباً اتفاق افتاده خود بنده در اقلیت واقع شده ام و محکوم شده ام. ما نمیتوانیم از قانون و ترتیبات اساسی

خارج بشویم منتهی ما خواستیم که با رفقای خودمان موافقت داشته باشیم که حقیقتاً کمیسیونها از روی برادرانه انتخاب شوند و حالا توافق نظر حاصل شده است بنده خواستم تذکر بدهم برای اینکه این مسئله سابقه نشود زیرا هر وقت نصف بعلاوه يك رأی داد اکثریت است و اکثریت حاکم است نه اینکه این مسئله يك سابقه بشود که وقتیکه ۶۳ نفر رأی دادند ما آن رأی را کان لم یکن بدانیم. منتهی این نظر ما يك نظر وجدانی و اتفاقی است. این را خواستم عرض کنم که مجلس در نظر داشته باشد حالا مقام ریاست مقتضی میدانند که جلسه ختم شود و بماند برای يك شنبه بنده عرضی ندارم

رئیس - عرض کردم چون عده کافی نبود و برای همان ترتیبات گفتیم بماند برای جلسه آتی حالا هم اگر آقایان تشریف بیاورند يك ساعت و نیم طول خواهد کشید.

مجلس نیم ساعت از ظهر گذشته ختم شد